

شواهد و مستندات قرآنی سخنان امام خمینی(ره) درباره‌ی سیاست‌های نفوذ

حبیب‌الله حلیمی جلودار^{*۱}

چکیده

هدف: امام خمینی(ره) در طول زندگی سیاسی خود و نیز در زمان رهبری انقلاب اسلامی (۶۸-۵۷) درباره‌ی سیاست‌های استکبار برای نفوذ در انقلاب اسلامی جهت براندازی یا تغییر ماهیت آن، نکاتی را بیان کردند که ضرورت دارد برای صیانت از نظام اسلامی بدان توجه شود. این مقاله به این سؤال پاسخ داده است که آیا سخنان امام(ره) در موضوع سیاست‌های نفوذ، شواهد، مستندات یا خاستگاه قرآنی دارد؟

روش‌شناسی پژوهش: روش این پژوهش، اسنادی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک فیش‌برداری استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که حضرت امام راه‌های نفوذ به انقلاب را شبهه‌افکنی، عوام‌فریبی و انحراف اذهان عمومی، اعمال سیاست خوف و رجاء، ایجاد اختلاف، القای ناامیدی و نفی خودباوری، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی، تحریف‌گری و... می‌داند و با شواهد و مستندات قرآنی، آنها را بیان و پیش‌بینی می‌نماید؛

نتیجه‌گیری: لذا کلام امام به تمامه منطبق با فرامین و نواهی خدای سبحان در قرآن کریم است؛ آنجا که از شبهه‌افکنی دشمن برای نفوذ در انقلاب اسلامی سخن گفت اشاره به کلام خداوند است که قلب‌های مریض با دستاویز قرار دادن متشابهات، محکمت‌ها را از مسیر خود خارج می‌سازند؛ وقتی سخن از عوام‌فریبی و انحراف اذهان عمومی بود به فرمایشات قرآن در باره‌ی سیاست‌های فرعون و نمرود اشاره داشت. امام راحل(ره) به اعمال سیاست خوف و رجاء نیز اشاره داشتند که با سیاست‌های استکباری فرعون در کشتن پسران و زنده نگه داشتن دختران منطبق است. و نیز از ایجاد اختلاف توسط دشمن هشدار دادند که با اعتصام به جبل متین الهی در قرآن کریم هماهنگی دارد.

کلید واژه‌ها: راه‌های نفوذ، استکبار، شیطان، شواهد قرآنی، انقلاب.

مقدمه

نفوذ که در لغت به معنای تجاوز و ورود در وسط چیزی است به معنای متنفذ بودن، در دیگران اثر داشتن، مطاع و نافذالکلمه بودن به سبب موقعیت علمی یا مالی یا اجتماعی نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴: ۴۴۶۲۷). جامعه‌ی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با تهدیدها، آسیب‌ها، اغتشاشات و مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زیادی روبه‌رو بوده است که در همه‌ی آنها ردّ پای دشمن استکباری پیدا بود؛ یکی از راه‌های ایجاد آن آسیب‌ها در انقلاب اسلامی، مسیر نفوذ دشمن در افکار یا رفتار افرادی می‌باشد که آن افراد، یا باورمند، آب در آسیاب دشمن می‌ریزند و یا مزدورانه و مزورانه، در جهت منویات استکباری تلاش می‌کنند؛ میکروب اگر وارد خون شود انسان را از پا در خواهد آورد؛ دشمن وقتی بتواند از درون در نظامی وارد شود به یقین ضربه‌ی سخت‌تر و غیر قابل جبران‌تر به بار خواهد آورد.

برخی معتقدند: «نفوذ به عنوان اقدام غیرجبرآمیز قدرت استفاده می‌شود؛ زیرا می‌توان نفوذ را مانند قدرت به‌عنوان یک توانایی یا به‌عنوان یک رابطه تعریف کرد. در نتیجه طرف مقابل به جای آنکه مجبور به تغییر تصمیم خود شود، متقاعد می‌شود و اقدام مد نظر را انجام می‌دهد» (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ۴۷). موضوع نفوذ با عواملی چون مدیریت و تسلط استکباری صاحبان پول و قدرت بر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای، به همراه جهانی‌شدن فرهنگ، سرعت و گستره‌ی بیشتری پیدا کرده است؛ لذا فهم، تحلیل و تدبیر در جهت مقابله با آن، بدون در اختیار داشتن راهبردهای شخصیت‌هایی چون امام خمینی(ره) و مستندات قرآنی و الهی آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

طرح مسأله

نفوذ که به معنای ورود در شخص، گروه یا جامعه‌ای برای تأثیرگذاری می‌باشد واژه‌ای است که در معنای مثبت و منفی هر دو به کار می‌رود مثلاً قرآن کریم به پیامبر اکرم(ص) توصیه می‌نماید تا روشی پیش بگیرد تا در انسان‌ها نفوذ کند که این گونه از نفوذ در تأثیرگذاری بسیار کارآمد است؛ زیرا نفوذ به این معنا، همان به دست گرفتن عقل‌ها، قلب‌ها و عواطف پاک انسانی است. و این یعنی هدایت و تعالی بخشیدن به انسان و جامعه‌ی انسانی.

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَحْلًا غَلِيظًا لَفُضِّضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ سَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/ ۱۵۹) در این آیه راه‌هایی چون نرم‌خویی، دوری از خشونت و غلظت رفتاری، خیرخواهی برای مردم، مشورت با آنها و توکل بر خدا از راه‌های جلب اعتماد و نفوذ مثبت در مردم است. و این همان نفوذ معنوی تأثیرگذار در حوزه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی است.

اما آنچه در این مقاله پیرامون آن حرف می‌زنیم و خاستگاه قرآنی سخنان امام خمینی(ره) را بررسی می‌کنیم نفوذ در معنای منفی آن است، آن نفوذی که استکبار در جهت تخریب و ویرانی انقلاب اسلامی به کار می‌گیرد.

زیرا انقلاب اسلامی ایران یک تحول بزرگ سیاسی- اجتماعی بود که با هدف جایگزین کردن نظام سیاسی نوین و انتقال قدرت سیاسی در جامعه‌ی ایران به وقوع پیوست. برخلاف ویژگی‌های خاص انقلاب‌های بزرگ فرانسه و روسیه که بر مبنای جدایی از دین استوار بودند، انقلاب اسلامی بر مبنای مذهبی بودن، مردمی بودن و نفوذ معنوی رهبری با تکیه بر عقاید مذهبی افراد جامعه شکل گرفت و اسلام به‌عنوان باور قلبی مردم موجب پیروزی آن شد (افشردی و اکبری، ۱۳۹۲: ۴۶).

انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های جهانی و اهداف ضداستکباری در منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج فارس موجب شد قدرت‌های بزرگ در برابر این نظام، سیاست تقابلی را به کار بگیرند و الگوی رفتاری تعاملی قبل از انقلاب جای خود را به الگوی تخاصم و واگرایی داد که با گذشت چند دهه این الگو به شکل گسترده‌تری وجود دارد (طالعی‌حور و بهرامی، ۱۳۹۶: ۷۲).

جامعه‌ی بزرگ استکباری برای تقابل با انقلاب اسلامی و شکست آرمان‌های ظلم ستیزی آن، به هر نوع دسیسه‌ای برای به انحراف کشیدن انقلاب از جمله: تحریم‌های ظالمانه، مسدود کردن دارایی‌های کشور، راه‌اندازی جنگ تحمیلی، تهاجم فرهنگی و... دست زده است. چنانچه دشمن نتواند ملتی را از طریق ارباب، تهدید و با نیروی مستقیم قهری مانند ماجرای طبرس و... از صحنه‌ی تلاش برای حفظ نظام سیاسی، خارج کند به فکر نفوذ برای از میان برداشتن آن نظام می‌افتد؛ و در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز موضوع به همین منوال است که به فرموده‌ی امام خمینی(ره) «این قدرت‌های بزرگ هم این معنا را می‌دانند که الان ایران وضعیت طوری است که نمی‌شود آنها به هیچ وسیله‌ای او را شکست بدهند؛ نه به‌وسیله‌ی کودتا، نه به‌وسیله‌ی چیزهای دیگر، نه به‌وسیله‌ی حمله‌ی نظامی. آنها از این راه پیش آمدند که رخنه کنند در بین شما و شما را از هم جدا کنند ولو این که مدت‌ش طولانی باشد؛ آنها صبر زیاد دارند و از حالا یک بذری می‌کارند، پنجاه سال دیگر بردارند. شما از حالا اگر یک وقت متوجه شدید که یک بذری اینها کشتند که ولو در پنجاه سال دیگر می‌خواهند از آن استفاده کنند، باید این بذر را فاسدش کنید و زیر پا بمالیدش» (موسوی‌خمینی، بی‌تا، ج ۱۹: ۲۳۸).

برای همین در این مقاله تلاش شده است تا شواهد و استنادات قرآنی امام خمینی(ره) در مورد سیاست‌های نفوذ دشمن در انقلاب اسلامی استخراج شود. البته در کنار آن، نظرات صاحب نظران، مفسران با محوریت منظر امام خمینی(ره)، مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود که اهداف دشمن از نفوذ در درون انقلاب اسلامی چیست؟ بهره‌ی به‌دست آمده از این تطبیق این است که روش‌های نفوذ، گروه‌های نفوذی، زمینه‌های نفوذ، انواع نفوذ و راه‌های مبارزه با نفوذ در درون نظام و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام(ره) به درستی و با دقت مورد واکاوی قرار گیرد. این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از تکنیک فیش‌برداری انجام شده است که روشی مؤثر در پژوهش‌هایی کاربردی است. فرض مقاله بر این است که با توجه به تأکید دائمی امام راحل(ره) بر محوریت اسلام نام محمدی(ص) به یقین تمام سخنان ایشان مستند بر آیات الهی و روایات معتبر معصومین(ع) می‌باشد.

پیشینه‌ی پژوهش

تحقیقاتی در حوزه‌ی نفوذ انجام شده است از جمله: فیض و همکارانش در سال ۱۳۹۴ تحقیق با عنوان «شناسایی ذهنیت افراد نسبت به نفوذ دشمن با استفاده از روش کیو» انجام داده‌اند که نشان می‌دهد در ادبیات و بیانات مقام معظم رهبری عناوینی چون «پروژه‌ی نفوذ» به وفور قابل مشاهده و پیگیری است و بارها به این پروژه‌ی خطرناک دشمن اشاره داشتند و فرمودند: مذاکره‌ی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران یعنی نفوذ، تعریفی که آنها برای مذاکره دارند این است و آنها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند. پروژه‌ی نفوذ، حمله‌ی همه جانبه، سازماندهی شده و یک اقدام برنامه‌ریزی شده، سازمان یافته و بسیار هنرمندانه، فتنه‌آمیز و خلط کلمه‌ی حق با کلمه باطل و تبدیل نقاط قوت به ضعف است؛ در طراحی نفوذ، دشمن به صورت دوست جلوه می‌کند و حقیقت را به شکل باطل و باطل را در لباس حق نشان می‌دهد و از نقاطی که مردم قدرت تحلیل ندارند، ضربه می‌زند. جامعه‌ی آماری شامل فرماندهان ارشد یکی از مراکز نظامی به تعداد ۱۰ نفر از فرماندهان با تجربه و آشنا با موضوع تحقیق می‌باشند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که این افراد نسبت به موضوع نفوذ دشمن دارای سه الگوی ذهنی که عبارتند از نفوذ فرهنگی، نفوذ اقتصادی و نفوذ سیاسی - امنیتی می‌باشند (فیض و همکاران؛ ۱۳۹۴: ۷۳).

خاتمی‌سبزواری و بقیعی در سال ۱۳۹۶ تحقیقی با عنوان «واکاوی مسأله نفوذ فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآن» انجام داده‌اند؛ هدف محققان در این پژوهش، تبیین ماهیت نفوذ فرهنگی در آیات قرآن و یافتن مصادیق، در عصر حاضر بود. یافته‌ها نشان می‌دهد نظام سلطه‌ی غرب، فعالیت گسترده‌ای را برای رسیدن به این هدف دنبال می‌کند و از طریق فناوری‌های روز در عالم بهره می‌گیرد و با ایجاد یأس و ناامیدی در جوانان، آنها را منزوی کرده و با دادن وعده‌های فریبنده، آنها را در راستای اهداف شیطانی خود به خدمت می‌گیرد. دشمن با تأکید بر شکاف‌های اجتماعی، از جمله گسست نسل‌ها و جریان‌سازی موازی در قبال انقلاب، در جهت منفعل ساختن اقشار اجتماعی کوشش می‌کند و این همان نفوذ فرهنگی است که مقام معظم رهبری، مبارزه و مقابله با آن را در اولویت بر سایر روش‌ها می‌داند (خاتمی‌سبزواری و بقیعی، ۱۳۹۶: ۵۵۱).

بابایی در سال ۱۳۹۶ تحقیقی با عنوان «راهبرد مقابله با جریان نفوذ از منظر قرآن» انجام داده است که با استفاده از روش استقرائی و تحلیل محتوایی این نتیجه به دست آمده است که نفوذ، جریان دو طرفه‌ای است که به تناسب اهداف مثبت و منفی است؛ از نظر قرآن، نفوذ منفی، جریانی علیه حق به رهبری ابلیس استکباری است. نفوذی‌ها همان راه و روشی را در پیش می‌گیرند که ابلیس مستکبر در پیش گرفت و بر آن است تا انسان را از مسیر حق و عدالت بیرون برد و غفلت از یاد خدا، تمایل به سبک زندگی غیراسلامی و دنیاگرایی و بی‌بصیرتی عناصر مقوم نفوذپذیری منفی هستند. شیطان، به‌عنوان ابتدایی‌ترین شکل نفوذ، که در جنت آدم اتفاق افتاد، شروع این حرکت را کلید زد و با خطوات خود ادامه می‌دهد. حصار فرهنگی راهبردی است که قرآن برای مقابله با خطوات شیطانی تبیین کرده است. خاستگاه این راهبرد، عقلانی است که میان عقل و قلب هماهنگی برقرار است تا با ارسال پیامبران و اوصیای الهی آن را عینیت داده است. بندگان خدا

با تقویت خداواری، داشتن علم نافع، بصیرت دینی، پذیرش هدایت و الگوهای الهی، باور به رسالت و خط امام، استقامت بر گفتمان دینی و داشتن سبک زندگی برخاسته از آموزه‌های قرآن خواهد توانست از آماج تیرهای نفوذ شیاطین جنی و انسی مصون بماند.

نعمتی در سال ۱۳۹۱ تحقیقی با عنوان «گسترش نفوذ آلمان در ایران، ۲۰-۱۳۱۳» انجام داده است و بیان کرد که گسترش روابط ایران و آلمان، از آن جا ناشی شد که آلمان نازی برای بدل شدن به یک قدرت مهم در اروپا، نیاز به احیای اقتصادی داشت. در این میان، حضور آلمان در ایران دوران رضاشاه، در سال‌های ۲۰-۱۳۱۳، - که از سوی متفکین به رسمیت شناخته شد - دو فایده داشت: هم یک فرصت بود و هم این که دولتمردان ایران از آن، به‌عنوان ابزاری برای تعدیل نفوذ شوروی و بریتانیا و نوسازی صنعتی و توسعه‌ی اقتصادی کشور استقبال کردند. تا آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط قوای متفقین، روابط دو کشور تا مرز یک اتحاد نظامی و استراتژیک پیش رفت و این روابط، تا سطح بسیار عالی بین دو کشور گسترش یافت ولی آلمان در پیمان عدم تعرض با شوروی، به‌عنوان امتیاز به استالین، منطقه‌ی نفوذ شوروی (قرارداد ۱۹۰۷) را به رسمیت شناخت. و این برخلاف تبلیغات فرهنگی آلمان بوده است. این، به معنای آن بود که آلمان، به دنبال روابط اصولی با ایران نبوده بلکه به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه بوده است (نعمتی، ۱۳۹۱: ۱۹۲).

ضرورت و اهمیت پژوهش

نگاهی به پیشینه‌ی علمی موضوع، به خوبی روشن می‌نماید که هیچ‌کدام از پژوهشگران پیشین به بررسی و تحلیل منظر رهبر فقید انقلاب اسلامی در موضوع نفوذ دشمن و نیز میانی و شواهد قرآنی آن نپرداختند، منظر آن امامی که در دوران مبارزات خود همه‌ی نقشه‌های استکباری را به تحقیق و دقت می‌شناختند؛ لذا بررسی و تحلیل نگاه امام(ره) در بحث نفوذ استکبار برای شکست یا به چالش کشیدن انقلاب اسلامی و شواهد و مستندات قرآنی آن ضرورتی غیرقابل انکار است. زیرا به گفته‌ی استاد مطهری اولین عامل و آفت نهضت‌های اسلامی برای به شکست کشاندن آنها «نفوذ» است که از دو طریق «دشمنان و دوستان» صورت می‌پذیرد (مطهری، ۱۳۷۲ش، ج ۲۴: ۸۵).

بحث

نفوذ که به معنای رخنه‌ای تأثیرگذار در چیزی به شکل مثبت و یا منفی است در اصطلاحات اجتماعی و سیاسی یعنی رخنه و نفوذ در افکار و عقاید و تأثیرگذاری برای ایجاد تغییر در جهت اهداف نفوذ کننده است. نفوذ در لغت به معنای اعتبار، قدرت، توانایی و نیز رخنه، تسلط و سلطه می‌باشد (معین، ۱۳۹۱، ج ۴: ۴۷۷۹؛ عمید، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۹۱۳). البته نفوذ به معنای خرق و تجاوز از معانی مجازی واژه و به‌عنوان لوازم و آثار سرایت به کار برده می‌شود؛ زیرا شخصی که در قلوب مردم نفوذ کرده است، دارای اعتبار و سپس قدرت و

توانایی می‌شود. در عربی، واژه‌ی نفوذ به معنای رخنه کردن، رسوخ کردن، اجرا شدن، گذشت و گذر کردن، تمام شدن و به پایان رسیدن آمده است (ازهری، بی تا، ج ۱۴: ۳۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۵۱۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۷).

نفوذ، از اندیشه‌های توماس هابز^۱ پیرامون قدرت وارد علوم اجتماعی شده است. نفوذ، پاسخ رفتاری نسبت به اعمال قدرت و یا به عبارت دیگر، نتیجه‌ای است که از طریق بکارگیری قدرت حاصل می‌شود (رضاییان، ۱۳۸۶: ۷).

در تعریف، از «نفوذ» به عنوان مکانیسمی برای اثرگذاری بر دیگران یاد شده است. اگر شخصی بتواند دیگری را متقاعد کند که عقیده‌اش را درباره‌ی یک یا چند موضوع تغییر دهد، رفتاری را انجام دهد و یا از انجام آن خودداری کند و به محیط پیرامون خود، به شکلی خاص بنگرد، در حقیقت نفوذ، تحقق یافته و «قدرت»، به کار گرفته شده است (مورهد و گریفین، ۱۳۸۵: ۳۸۲).

نفوذ در نگاه قرآن

برای دست یافتن به چگونگی نفوذ دشمن، تحلیل آیات مربوط به منافقان و بیماردلان روشی مناسب به نظر می‌آید؛ زیرا «اگر به قرآن و اسلام پناه بیاوریم، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از ملت سند بردگی بگیرد و مفاخر ملی و اسلامی ایران اسلامی پایمال شود» (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱: ۴۱۱). لذا به نظر می‌رسد عمیق‌ترین و راهبردی‌ترین روش، که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب مکرر آن را به کار گرفته‌اند، تأمل در آیات و روایات مربوط به «شیطان» است؛ زیرا منظور از «شیطان» در ادبیات مفهومی قرآن کریم، هر نوع موجود شرور است که علاوه بر ابلیس، بر افراد انسانی و یا دستگاه حاکم شرور نیز قابل انطباق است (فیروزیان، ۱۳۹۶: ۳۶).

در قرآن کریم نیز از «حزب الشیطان» به منافقانی که نفوذی‌های دشمن هستند تعبیر شده است (مجادله/ ۱۹). امام خمینی (ره) نیز بر این امر تأکید دارند که شیاطین برای طرح‌های استعماری خود نگذاشتند مسلمین قرآن و اسلام را آن طوری که هست بفهمند (موسوی خمینی، بی تا، ج ۷: ۳۹۳).

آنچه در قرآن کریم می‌توان از آن به جریان نفوذ یاد کرد به یک حوزه و فرد محدود نمی‌شود و علاوه بر گستردگی، اهمیت بسیاری هم دارد. جریان نفوذ در قرآن با شیطان آغاز می‌شود. فرعون، منافقان و یهود از افرادی هستند که در قرآن به الگوی رفتاری آنها در این زمینه، مفصل پرداخته شده است. روش شیطان به عنوان ابتدایی‌ترین شکل نفوذ، که در جنت آدم اتفاق افتاد، شروع این حرکت را کلید زد (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۶۸). آنجا که شیطان با هدف تغییر رویکرد فرمانبرداری آدم، موضوع خلد جاوید و ملک شدن آدم و همسرش را با شیوه‌ی وسوسه و با هدف ایجاد شبهه در وهله‌ی اول و هدف هبوط آدم از موقعیتش نزد خدای متعال در مرحله‌ی دوم، صورت داد و از آن پس، شیوه‌ی دیگری را در پیش گرفت که قرآن کریم از

1. Thomas Hobbes

آن به عنوان خُطوات شیطان نام می‌برد که ویژگی بارز این شیوه‌ی نفوذ، تدریجی بودن آن است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱: ۱۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱: ۱۰۲-۱۰۱).

منظور از واژه‌ی شیطان در قرآن کریم صرفاً ابلیس نیست زیرا ابلیس نام یک جن است که از فرمان الهی سرپیچی کرد (کهف/۵۰). ولی شیطان صفت هر جن و انسی است که از فرامین الهی خارج شود و ابلیس هم یکی از مصادیق آن است. «شَیَاطِینَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ یُوحِی بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ عُرُورًا» (انعام/۱۱۲) امام(ره) معتقدند که همه‌ی تلاش شیطان برای این است که ایمان را از انسان بگیرد (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲: ۲۳). زیرا شیطان راضی به فسق انسان نیست بلکه کفر او را می‌خواهد (همان: ۳۹). البته تأکید دارند که اگر انسان مقاوم باشد شیطان عقب خواهد نشست زیرا «کَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»^۱ (همان، ج ۳: ۴۶۰). علامه طباطبایی نیز بر این اعتقاد است که کلمه‌ی شیطان به معنای شریر است که ابلیس هم یکی از آن شریرها است و ذریه‌ی او نیز مصادیقی از شریر، و اشرار جن هم مصادیقی از آن هستند، در قرآن هم شیطان رجیم تنها به ابلیس اطلاق نشده، در مورد سایر شریرها هم اطلاق شده است، درباره‌ی ابلیس می‌فرماید: «فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ» (حجر/۳۴) و درباره‌ی سایر شیطان‌ها و شریرها می‌فرماید: «وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ» (حجر/۱۷) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۲۱۹)؛ با این توضیح می‌توان گفت که افراد و دولت‌های شرور، مبنایی قرآنی دارند.

استاد مطهری(ره) تأکید دارد که قلمرو شیطان «تشریح» است نه «تکوین»، یعنی قلمرو شیطان فعالیت‌های تشریحی و تکلیفی بشر است. شیطان فقط در وجود بشر می‌تواند نفوذ کند نه در غیر بشر. قلمرو شیطان در وجود بشر نیز محدود است به نفوذ در اندیشه‌ی او نه تن و بدن او. نفوذ شیطان در اندیشه‌ی بشر نیز منحصر است به حدّ وسوسه کردن و جلوه دادن امر باطل. قرآن این معانی را با تعبیرهای «تزیین»، «تسویل»، «وسوسه» و امثال این‌ها بیان می‌کند؛ و اما اینکه چیزی را در نظام جهان بیافریند یا اینکه تسلط تکوینی بر بشر داشته باشد، یعنی به شکل یک قدرت قاهره بتواند بر وجود بشر مسلط شود و بتواند او را بر کار بد اجبار و الزام نماید، از حوزه‌ی قدرت شیطان خارج است. تسلط شیطان بر بشر محدود است به اینکه خود بشر بخواهد دست ارادت به او بدهد: «همانا شیطان بر مردمی که ایمان دارند و به پروردگار خویش اعتماد و اتکا می‌کنند تسلطی ندارد، تسلط او منحصر است به اشخاصی که خودشان ولایت و سرپرستی شیطان را پذیرفته و می‌پذیرند» (نحل/۹۹ و ۱۰۰). قرآن از زبان شیطان در قیامت نقل می‌کند که در جواب کسانی که به او اعتراض می‌کنند و او را مسؤول گمراهی خویش می‌شمارند می‌گوید: «من در دنیا قوه‌ی اجبار و الزامی نداشتم. حدود قدرت من فقط «دعوت» بود. من شما را به سوی گناه خواندم و شما هم دعوت مرا پذیرفته و اجابت کردید، پس مرا ملامت نکنید، خویشتن را ملامت کنید که به دعوت من پاسخ مثبت دادید» (ابراهیم/۲۲). ارتباط من با شما صرفاً در حدود «دعوت» و «اجابت» بوده و بس» (مطهری (عدل الهی)، ۱۳۷۲ ش، ج ۱: ۹۶)؛ امام(ره) نیز می‌فرماید: «ما نباید تبع شیطان باشیم. (موسوی-

خمینی، بی تا، ج ۴: ۴۶۱). زیرا شیطان و جنود شیطان همیشه، در شکستند و قرآن و خدا و لشکر خدا همیشه پیروز هستند. این‌هایی که لشکر شیطان هستند، دارند پله پله طرف اسفل السافلین می‌روند. آنهایی که لشکر خدا هستند، دارند طرف بالا می‌روند (همان، ج ۶: ۱۰۶).

شیطان بزرگ - استکبار جهانی - نیز همین‌گونه به دنبال تسویل، تزیین، ترهیب و وسوسه است و این امت اسلامی است که باید مقاوم باشد.

شواهد قرآنی امام خمینی(ره) درباره‌ی سیاست‌های نفوذ در انقلاب اسلامی

شبیه افکنی

امام خمینی(ره) معتقد است که آمریکا به دست دولت‌های وابسته، نویسندگان خبیث، گویندگان فاسد و روحانیون درباری مقاصد خودش را پیش می‌برد زیرا آنها می‌گویند و می‌نویسند و مردم را از حقایق دور می‌کنند (موسوی خمینی، بی تا، ج ۱۷: ۲۱۰-۲۰۹). یکی از روش‌های دشمن برای نفوذ، ایجاد بدگمانی است؛ بدگمانی میان مسئولان با یکدیگر و بدگمانی میان مردم با نظام اسلامی است. امام سجاد(ع) یکی از کارهای شیطانی را ایجاد بدگمانی می‌دانند: «خدایا شیطان عنانم را به دست گرفته است و مرا به وادی بدگمانی و ضعف یقین می‌کشاند» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۱۵۲). نفوذی‌ها سعی می‌کنند انواع شبهات را در جامعه رواج دهند. آنان با رصد دقیق اطلاعات و اخبار و مواضع رهبری بر آن هستند تا مشابهات را انتخاب کنند و زمینه‌ی تحریف محکمات و تضعیف آن را فراهم آورند. لذا شبیه‌افکنی و بهره‌گیری از مشابهات کلامی، به‌عنوان ساز و کار در دستور کار آنان قرار می‌گیرد (آل عمران/۷)؛ گاه این شبیه افکنی نسبت به نوع عملکرد رهبری اتفاق می‌افتد و مثلاً او را به قومیت‌گرایی، هواداری از خویشان و اقوام، غل و غش در مسائل اقتصادی (آل عمران/۱۶۱)، قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی (یونس/۷۸)؛ مسائل جنسی و انحرافات جنسی خود یا خانواده (نور/۱۹-۱۱) و مانند آنها متهم می‌کنند که در این زمینه [مسئله‌ی نفوذ] روشنگری لازم است؛ روشنگری اذهان مردم، ضروری است. یکی از آن چیزهایی که قرآن کریم خطاب به مخالفین یعنی یهود در آن روز [می‌گوید] و بر آنها ابراد می‌گیرد این است که «لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران/۷۱) چرا شما باطل را با حق مخلوط می‌کنید؛ لذا باید حقیقت را

۱. صاحب مجمع‌البیان ذیل آیه‌ی «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» می‌نویسد: «کسانی که در دلشان رو گردانی از حق و توجه به باطل است به علت گمراهی خود و نیز برای گمراه کردن و فاسد کردن دین مردم برای هدف و دین نادرست خویش به آنچه مشابه است استدلال و احتجاج می‌کنند» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲: ۷۰۰).
۲. فخر رازی ذیل آیه‌ی «قَالُوا أَ جِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَ تَكُونُ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ» می‌گوید: به بهانه‌ی تمسک به تقلید و نیز ریاست طلبی در پی تخریب رهبری هستند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۲۸۷).
۳. صاحب تفسیر نمونه ذیل این آیات نوشته است: مؤمنین که از نقشه‌ی منافقان علیه رهبری (پیامبر(ص)) و از عدم صحت این اتهام مطلع بودند و واقف بودند که این امر توطئه‌ای است علیه پیامبر(ص) چرا در پخش آن همراهی کردند که موجبات تضعیف رهبری را به همراه داشت؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴: ۳۹۷).

بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۷۵؛ فولادی و بناکار، ۱۳۹۶: ۷۵؛ دیباجی، ۱۳۸۲: ۲۶؛ معتمدی، ۱۳۷۹: ۵۵؛ فیروزیان، ۱۳۹۷: ۳۹).

عوام‌فریبی و انحراف اذهان عمومی

انسان در مسیر زندگی باید نه تطمیع شود و نه ترهیب؛ چون این هردو برای فریفتن و انحراف اذهان کارآیی دارد. امام علی(ع) فرمود: «الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۷۱) «طمع بردگی جاوید است». امام خمینی(ره) بر این اعتقاد بود که استکبار برخی مواقع برای نفوذ به درون انقلاب و تخریب آن، با نقشه‌ی عوام‌فریبانه به ظاهر به پشتیبانی از ملت‌ها می‌پردازد و با حضور در کلیسا و دعا خواندن به دنبال اغفال مردم است لذا به مردم مظلوم و مستضعف انذار می‌دهند که اغفال نشوند. امام(ره) تأکید دارند که آنها [یادای استکبار] برای رسیدن به قدرت و ادامه چند سال ریاست دنیا و ستمگری بر ملت‌های ضعیف، دست به دعا برمی‌دارند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۶).

برخی مفسرین ذیل آیه‌ی «وَ إِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنَّا كَانَتْ هَذِهِ حَقًّا مِنْ عِنْدِكَ فَامْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (انفال/۳۲) می‌گویند: «این‌گونه نفرین‌ها، یا از شدت تعصب و لجاجت است، یا برای عوام‌فریبی است. بر خود نفرین می‌کنند تا مردم ساده‌دل احساس کنند که آنان حق هستند و اسلام، باطل است» (قرآنتی، ۱۳۸۳ش، ج ۴: ۳۱۴). بلکه هم کفار می‌خواستند این نگاه را به مردم القا کنند که می‌دانستند عذابی در کار نیست چون آنچه که پیامبر آورد، حق نیست، لذا گفتند اگر این باطل، حق است بر ما عذاب بفرست (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴: ۸۲۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۲۱۶).

علامه طباطبایی در آیه‌ی «فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى» (طه/۶۰) معتقد است که فرعون از مجلس مذاکره برخاست و رفت تا وسائلی را برای عوام‌فریبی و دوز و کلک خود آماده کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۱۷۳؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۲۳۴۱).

فرعون هم وقتی به سجده افتادن ساحران را در پذیرش معجزه‌ی موسی(ع) دید به تحلیلی عوام‌فریبانه دست زد و گفت: این یک توطئه‌ی از پیش ساخته است، شما شاگرد موسی بوده‌اید و این خیمه شب‌بازی را برای سقوط من به راه انداخته‌اید (قرآنتی، ۱۳۸۳ش، ج ۸: ۳۱۵).

از نگاه علامه طباطبایی عوام‌فریبی فرعون این‌گونه بود که از یک سو مردم را می‌شورانید و از سوی دیگر با وعده‌های جمیل دلگرم می‌کرد و به مردمی که می‌پرسیدند: «أَإِنَّا لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ» می‌گفت: «نَعَمْ وَ إِنَّا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» و به هر وجهی که ممکن بود چه از راه ترغیب و یا ترهیب، مردم را وادار می‌کرد که نسبت به کیش خود پایداری کنند و علیه موسی(ع) برخیزند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۱۷۶). یعنی عوام‌فریبی استکبار فقط از طریق تطمیع نیست بلکه از ترهیب هم استفاده می‌کند.

همچنین فرعون برای قدرت‌نمایی و عوام‌فریبی با ژست تحقیق و بررسی و منحرف کردن افکار عمومی - که از شیوه‌های مستکبران است - از ترس اقبال مردم به موسی(ع) در خواست برج و باروی بلند را نمود

تا با چشم ظاهری از وجود خدای موسی مطلع شود (قصص/۳۸) (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۹: ۵۷)؛ و چون با چشم سر دیده نمی‌شود عوام‌فریبی دیگر این است که موسی(ع) از دروغ‌گویان است. علامه طباطبایی ذیل آیه‌ی ۲۵۸ بقره می‌نویسد: بعد از آن که ابراهیم(ع) از مؤثر بودن احتجاجش مأیوس شد و به خاطر نادانی مردم و عوام‌فریبی‌های نمرود نتوانست به ایشان بفهماند که پروردگارش آن خدایی است که زنده می‌کند و می‌میراند، ناگزیر به توضیح مقصود خود از احیا و امانه نپرداخت، بلکه حتی دیگر آورد، ولی این دفعه اساس حجت دوم خود را بر همان دعوائی که خصم در حجت اول داشت قرار داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۵۵).

اعمال سیاست خوف و رجا

امام خمینی(ره) بر این نکته تأکید داشته است که از جمله چیزهایی که دولت‌های بزرگ، ابرقدرت‌ها و به تبع آنها، دولت‌های کوچک برای پیشرفت مقاصد خودشان اجرا می‌کنند این است که در ملت‌ها ایجاد خوف بنمایند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۳: ۳۰۲). زیرا یکی از مهمترین شیوه‌های دشمن برای نفوذ و اختلال در دستگاه محاسباتی مسؤولان، خواص و عامه‌ی مردم، تهدید و ایجاد ترس در آنهاست تا آنها را از تصمیم عاقلانه بازدارد. دشمن همواره این‌گونه القاء می‌کند که اگر با من رابطه نداشته باشی و آقایی من را در جهان نپذیری، جامعه‌ی اسلامی دچار مشکلات متعددی خواهد شد: به فرمایش قرآن: شیطان شما را (به هنگام انفاق)، وعده‌ی فقر و تهیدستی می‌دهد، [خوف ایجاد می‌کند] و به فحشا (و زشتی‌ها) امر می‌کند (بقره/۲۶۸) (بابایی، ۱۳۹۶: ۳۹؛ دیباجی، ۱۳۸۲: ۲۶). تا انسان‌ها را وادارند که با خوف در دل، از کار درست امتناع کنند.

امام راحل(ره) در امیدواری استکبار به شیاطین داخلی می‌گوید: آمریکا به تصور این که ملی‌گراها و منافقین و دیگر وابستگان چپ و راست او به زودی پاشنه‌ی سیاست انقلاب و حاکمیت نظام و اداره‌ی کشور را به نفع او به حرکت در می‌آورند چند روزی سیاست خوف و رجا را در پیش گرفت و به طرح و اجرای کودتا و اعمال سیاست فشار و ترویج چهره‌های وابسته خود و نیز به ترور شخصیت انقلاب و انقلابیون واقعی کشور پرداخت (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲۰: ۳۲۴). امام(ره) در قضیه‌ی تسخیر لانه‌ی جاسوسی نیز به سیاست خوف و رجا دشمن استکباری اشاره کردند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۶۸).

قرآن کریم همیشه تأکید می‌کند که «شیاطین توان سلطه بر اختیار مردم صالح را ندارند فقط در دل‌های همراهان خود خوف ایجاد می‌کنند» (آل عمران/۱۷۵). «و با این حربه بر مردم مسلط می‌شوند، زیرا شیاطین نمی‌توانند بر انسان‌های مؤمن مسلط شوند» (اعراف/۲۷). امام خمینی(ره) نیز به تبعیت از قرآن همیشه بر این نکته تأکید داشتند که نباید خوف داشت چون اربابی است غیرواقعی بدین صورت که نباید یا نمی‌شود علیه فلان قدرت استعماری حرف زد؛ ولی مردم با مقاومت فهمیدند آن‌طورها نیست که تصور می‌شد (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۳: ۳۰۳). زیرا آمریکا و تروریست‌های وابسته با هدف ارباب ملت شریف ایران و ارتش وفادار اسلام با وسائل ارتباط جمعی غرب خصوصاً آمریکا و صهیونیسم به دنبال برقراری حکومتی

سلطنتی یا جمهوری دمکراتیک خلق هستند تا بتوانند تا ابد کشور را مورد چپاول قدرتمندان خصوصاً آمریکا قرار دهند (همان، ج ۱۵: ۲۷۹-۲۷۸).

ایجاد اختلاف

اختلاف عمومی

حضرت امام (ره) بیان داشتند که اسلام و قرآن، عقد اخوت بین ما انداخته است: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/ ۱۰)

و از این منظر مؤمنون از همه‌ی زبان‌ها و نژادها برادرند، اینکه همه‌ی ملت فریاد الله‌اکبر داشتند و جمهوری اسلامی را می‌خواستند یعنی به خداوند توکل کردند و این یک‌صدایی و اتفاق کلمه به آمریکا و رفقایش ضربه وارد کرد لذا آمریکا و اذنباش همان نقطه‌ای که ضربه خوردند را هدف قرار دادند تا آن وحدت کلمه را از میان بردارند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۱: ۳۶۸-۳۶۷).

نفوذ و به اصطلاح رخنه در میان مردم متحد، یکپارچه و نفوذناپذیر ممکن نیست. اختلاف، تفرقه، دو دستگی، انشقاق راز نفوذ در صفوف یکپارچه و متحد است. قرآن کریم نیز کسانی را که موجب افتراق و اختلاف در دین می‌شوند، به شدت سرزنش می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا أَلَسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ» (انعام/ ۱۵۹)؛ «کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند تو هیچ‌گونه مسؤول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست». همچنین به جریان فرعون اشاره دارد که با اختلاف و تفرقه در میان قوم خود، زمینه‌ی سلطه، نفوذ، استعمار و قتل و غارت در میان آنان را فراهم کرده بود (قصص/ ۴). مهم‌ترین شیوه‌ی دشمن، بهره‌گیری از ابزار تفرقه بینداز و حکومت کن است؛ از همین رو خداوند به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد که دشمن با نفوذ در جرگه‌ی نظامیان و مجاهدان، بر آن است تا اختلاف‌انگیزی کند و زمینه‌ی سستی در جبهه‌ی حق را برای سلطه‌ی دشمنان فراهم آورد. خداوند نتیجه‌ی اختلاف میان سطوح مختلف جامعه را از دست رفتن حکومت و حاکمیت و اجتماع ایمانی می‌داند (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۷۶؛ فولادی و بناکار، ۱۳۹۶: ۷۴؛ دیباجی، ۱۳۸۲: ۲۶؛ معتمدی، ۱۳۷۹: ۵۷)؛ لذا می‌فرماید: «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است» (انفال/ ۴۶). و «از مسلمانان می‌خواهد در صورت بروز هر گونه عامل اختلافی چون شایعات و مانند آن، به رهبر مراجعه کنند» (نساء/ ۸۳). امام راحل (ره) نیز در عاقبت تخریبی اختلاف داخلی می‌گوید: استکبار راه شکست ملت را مطالعه کردند و طرح دادند برای آن، بهتر از این چه بکنند، بدون اینکه محتاج باشد که یک قدرت و یک قوایی بیاید، خودشان [مردم] را به جان هم می‌اندازند. احزاب را دست‌شان قلم بدهند [تا هر کدام علیه دیگری بنویسد و تضعیف کند] (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۱: ۴۹۱-۴۹۰).

امام خمینی (ره) تأکید دارد که آمریکا می‌خواهد کشوری را که با وحدت کلمه مقاصدش را پیش برد بین راه فلج کند چون از وحدت کلمه‌ی مردم ضربه خورد و طریق فلج کردنش هم این است که مردم را به جان هم بریزد و در داخل نگذارد نظام اسلامی استقرار پیدا کند (همان، ج ۱۲: ۷۶-۷۵).

اختلاف خواص

قرآن کریم در آیه‌ی ۶۳ مائده، سکوت و بی‌تفاوتی علماء را زمینه‌ی ترویج فساد در جامعه می‌داند و آنها را مؤاخذه می‌نماید زیرا به گفته‌ی فیض کاشانی این علماء کسانی‌اند که با تجربه و زبردستی، کارآزموده شدند و کار برای آنها به صورت خصلت و ملکه در آمده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۹).

به فرمایش امام راحل(ره) استکبار هم تلاش همیشگی دارد تا بین علمای اسلام اختلاف ایجاد نماید زیرا استکبار خوب می‌داند که اختلاف علما یعنی اختلاف امت؛ یعنی دو دستگی و چند دستگی در جامعه؛ و خیلی صبورانه هم عمل می‌کند که در درازمدت نظام را با این تفرقه‌ی خواص ساقط نماید (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۸: ۴۷۸).

اختلاف جهان اسلام

حتی استکبار جهانی برای اینکه انقلاب اسلامی ما را در پیشگاه مسلمانان جهان خدشه‌دار کند و مسلمانان را به جان هم بیاندازد و خود به ستمگری‌ها و چپاول‌هایش در کشورهای اسلامی ادامه دهد می‌آید درست در آستانه‌ی کوشش بی‌امان ایران برای وحدت کلمه و تثبیت به اسلام بزرگ و توحید بین جمیع مسلمین جهان، به یکی از مهره‌های خبیث آمریکا و از دوستان شاه مخلوع معدوم، دستور می‌دهند تا از فقها و مفتیان اهل سنت، فتوا بر کفر ایرانیان عزیز بگیرد و بعضی از این مهره‌ها گفته‌اند: «اسلامی که ایرانیان می‌گویند، غیر از اسلامی است که ما می‌گوییم». آری اسلام ایران غیر از اسلام آنان است که از مهره‌های آمریکا چون سادات و بگین پشتیبانی می‌کنند و در مقابل فرمان خدای متعال با دشمنان اسلام دست دوستی می‌دهند و برای تفرقه بین مسلمین، از هیچ افترا و کوششی دریغ نمی‌کنند (همان، ج ۱۳: ۲۰۸-۲۰۷).

حتی امام(ره) نسبت به تفرقه‌ی امت‌های اسلامی حساس بوده است و می‌فرمود: به برادرهای قطری ما بگویید و به برادرهای خلیجی ما بگویید که آقا متحد بشوید... وحدت کلمه پیدا کنید. رمز غلبه‌ی ما وحدت کلمه و اتکال به خدا بود. شما هم با وحدت کلمه به خدا اتکال پیدا کنید شما هم پیروز خواهید شد. اگر ملت‌های اسلام و دولت‌های اسلام متفرق نبودند اگر مسلمین با هم بودند، این‌طور دلیل نبودند زیر دست اجانب و عمال اجانب (همان، ج ۶: ۳۳۹). اگر این افتراق بین مسلمین نبود آیا ممکن بود که اسرائیل با یک جمعیت کمی این‌طور جسور بشود و همه‌ی حیثیت مسلمین را زیر پای خودش بگذارد؟ اگر اختلاف بین کشورهای اسلامی، دولت‌های اسلامی نبود، آیا آمریکا می‌توانست حکومت کند بر همه کشورها، منافع همه کشورها را غارت کند؟ (همان، ج ۱۵: ۴۷۴).

اگر دولت حجاز از این فریضه عبادی سیاسی که هر سال در مواقع کریمه‌ی حرمین شریفین با حضور میلیونی مسلمانان تشکیل می‌شود استفاده سیاسی- اسلامی می‌نمود احتیاج به آمریکا [و] هواپیماهای آواکس آن و سایر ابرقدرت‌ها نداشت و مشکلات مسلمانان حل می‌شد (همان، ج ۱۵: ۲۹۲-۲۹۱).

این همان فریاد قرآن کریم به جوامع اسلامی است که «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (آل عمران/۱۰۳).

القای ناامیدی و نفی خودباوری

یکی از مهمترین شیوه‌های نفوذ دشمن در دستگاه محاسباتی مردم مسئولان و خواص، القای یأس و از بین بردن اعتماد به نفس است؛ روحیه‌ای که شجاعت و قدرت ریسک‌پذیری را از انسان می‌گیرد و او را به انسانی تنبل، افسرده، مصرف‌کننده و مطیع تبدیل می‌کند. از نگاه قرآن شیطان همیشه در پی ناامید و مأیوس کردن انسان است؛ شیطان به انسان وعده‌ی فقر و تنگدستی می‌دهد (بقره/۲۶۸)؛ و این فقر صرفاً فقر مالی و فردی نیست بلکه بر همه‌ی انواع آن؛ فقر فناوری، فقر علمی، فقر فرهنگی و... قابل انطباق است. یکی از نتایج مهم این نوع وعده‌های مأیوسانه‌ی شیطان، از دست رفتن روحیه‌ی شجاعت، جسارت و به فرمایش امام(ره) تضعیف روحیه‌ی «ما می‌توانیم» است (همان، ج ۱۰: ۳۶۲؛ ج ۱۴: ۳۰۸)؛ یعنی شیطان طرحی از آینده برای انسان ترسیم می‌کند که از او قدرت ریسک و اقدام شجاعانه را می‌گیرد (فیروزیان، ۱۳۹۷: ۴۲؛ بابایی، ۱۳۹۶: ۱۷۷). قرآن کسی را انسان مؤمن و صالح می‌داند که برای استقلال خود و جامعه‌ی خویش هجرت و تلاش را رها نمی‌کند و هرگز از رحمت خدای خویش مأیوس نمی‌گردد (بقره/۲۱۸).

القای ناامیدی

یکی از راه‌های نفوذ استکبار این است که ملتی را از داشته‌ها و توانمندی‌های خود ناامید سازد که البته بسیاری از مواقع از شخصیت، زبان، مطبوعات و فضاها‌ی خودی‌ها استفاده می‌نماید و به بهانه‌ی نقد، به تهمت، دروغ‌پراکنی و سیاه‌نمایی دست می‌زند که از این طریق دل مردم را خالی کند و مردم را از پشتیبانی و دفاع از نظام خود باز بدارد. در حال حاضر هزاران مرکز ناامیدساز در سراسر جهان علیه نظام اسلامی مشغول فعالیتند، امام(ره) معتقد بود که استکبار برای القای یأس و ناامیدی از مطبوعات کمال استفاده را می‌نماید، لذا از رادیوها و مطبوعات بیگانه مثل رادیو لندن و رادیو آمریکا و... مسائل ایران را وارونه جلوه می‌دهند چون «یکی از راه‌هایی که اینها بخواهند فساد کنند مطبوعات است» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۴: ۴۰۰).

نفی خودباوری

قرآن کریم در آیه‌ای که به آیه‌ی نفی سبیل معروف است تأکید می‌نماید که از سلطه‌ی بیگانگان بر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور فردی و اجتماعی‌تان در حوزه‌های مختلف جلوگیری کنید (نساء/۱۴۱). چون در ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند جایی برای تسلط بر کفار وجود ندارد. امام(ره) در مورد خودباوری و اتکا به خویشتن اعتقاد داشته‌اند که: مهم این است که ما بفهمیم که دیگران به ما چیزی نمی‌دهند، ما خودمان باید تهیه کنیم. یک مملکت اگر بخواهد خودش به پای خودش بایستد، مستقل بشود در همه‌ی ابعاد، چاره ندارد جز این تفکر که «ما باید از خارج چیز وارد کنیم» را از کله‌اش بیرون کند. عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می‌توانیم... وقتی این باور آمد، اراده می‌کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار می‌ایستند، دنبال کار می‌روند. و اینها [استکبار جهانی]

الآن در صدد این هستند که آن مسأله را باز پیش بیاورند: مسأله اینکه ما خودمان نمی‌توانیم؛ ما خودمان متخصص نیستیم؛ ما خودمان تحصیلاتمان ناقص است. ممالکی که توانستند پیشرفت کنند برای این است که این فکر را در خودش پیش آورده است که ما نباید وابسته باشیم (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۴: ۱۱۹).

اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا می‌کند. عمده این است که افکار شما از وابستگی به قدرت‌های بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می‌توانیم که صنعت‌مند و صنعت‌کار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و باورتان این باشد که ما می‌توانیم مستقل باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست (همان، ج ۱۴: ۱۲۰).

رهبر فقید اظهار امیدواری می‌کند که با کوشش اساتید، معلمین، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مدارس و دانشگاه‌ها، افرادی متخصص، متعهد و مردمی تربیت کنند تا به کشورشان خدمت کنند و کشورشان را توانمند سازند و از این طریق انقلاب اسلامی را به جهان صادر کنند (همان، ج ۱۹: ۲۲۳).

امام (ره) معتقد بودند کشور باید فکرش مستقل شود از فکر وابسته و غربی آزاد شود؛ بازار ما باید خودش را باور داشته باشد، این باور در مردم تقویت شود که آنچه ما داریم را هیچ حساب نکند. یعنی از فرهنگ غربزده‌هایی پیدا کنیم (همان، ج ۱۱: ۱۸۰).

حضرت امام (ره) در مورد خودباختگی دولت‌های خلیج و غیرخلیج هشدار می‌دهد که بدانند استکبار می‌خواهد کشورهای ما را بازار درست کند و از ما استفاده کند البته نه استفاده یک انسان از انسان، حتی نه استفاده‌ی انسان از عبد بلکه می‌خواهند استفاده‌ای که حتی از حیوانات پست‌ترمان حساب می‌کنند از ما ببرند (همان، ج ۱۷: ۴۰۴). قرآن کریم هم تأکید می‌کند که اگر دنبال عزت واقعی هستید آن را نزد خدای منان بیابید نه در دوستی با کافرین و شیاطین (نساء/۱۳۹)؛ و قرآن هشدار می‌دهد که هرگز بر ظالمین تکیه نکنید (هود/۱۱۳).

شایعه‌سازی و شایعه پراکنی

روش پرکاربرد دیگر دشمن برای نفوذ در عوام و خواص، شایعه‌سازی و دروغ‌پراکنی است. در آیه‌ای از قرآن کریم درباره‌ی منافقان (یا همان نفوذی‌های دشمن) می‌خوانیم: «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدْعَاؤُهُ بِهٖ وَ لَوُ زِدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء/۸۳)؛ «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه‌ها، مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده‌ی کمی، همگان از شیطان پیرو می‌کردید». بهره‌گیری از شایعه‌سازی و شایعه پراکنی، ابزارها و ساز و کارهای دشمن است که امنیت روحی و روانی جامعه را به خطر می‌افکند. قرآن کریم در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی احزاب به منافقان، بیماردلان و شایعه‌سازان و شایعه پراکنان اخطار می‌نماید.

رسول خدا(ص) همواره مردم را بعد از آسیب دیدن (جنگ احد) به این دعوت می‌کرد که برای جهاد با کفار همراهی کنند ولی افرادی شایعه‌پراکنی می‌کردند تا مردم را از یاری پیامبر(ص) باز بدارند، لذا آیه تأکید می‌کند که این ترساندن‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها همه از ناحیه‌ی شیطان است و سخن او است که از حلقوم اولیای او بیرون می‌آید و آنگاه بر مؤمنین واجب می‌کند که از این جوسازان نترسند و از او بترسند. به شهادت آیه‌ی «وَقَالَتْ طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفُرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران/۷۲)؛ به تحریک سران یهودی، برخی افراد یهودی صبحگاهان به دین اسلام گرویدند و غروب اظهار پشیمانی کردند و از دین اسلام برگشتند. لذا کارشان را بین مردم شایعه می‌کردند که باعث سست شدن ایمان برخی از مسلمانان می‌شد و با خود می‌اندیشیدند اشکال دین اسلام در چه بود که تازه مسلمانان یهودی، بیش از نیم روزی دوام نیاوردند و به دین خود برگشتند. از منظر امام راحل(ره)، دشمن استکبار به علت عدم کارآیی حمله‌ی نظامی، دست به تبلیغات سوء علیه اتحاد ملت زده است (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۶: ۱۱۴). و در این مسیر منافقین هم با نقد مردم‌فریبانه از امپریالیزم، به دام آنان غلطیدند و با کمک آنان به توطئه علیه جمهوری اسلامی برخاسته‌اند. و با شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی جوانان معصوم را به دام انداختند و با خون مظلومان و گول خوردگان، اوامر اربابانشان را اجرا می‌کنند (همان، ج ۱۶: ۱۲۸).

امام خمینی(ره) به همه‌ی مردم خصوصاً جوانان هشدار می‌دهد که فریب افکار مزورانه‌ی استکبار را نخورند چون استکبار همیشه تلاش دارد تا در فکر و دل جوانان، به واسطه‌ی آلت دست قرار دادن آنها وارد شود چون به اعتقاد امام آمریکا با سرنیزه نخواهد آمد (همان، ج ۱۰: ۵۲۱ و ۵۲۸)؛ فرعون هم خود را حاکم فکر و دل مردم می‌دانست به گونه‌ای که مردم اجازه نداشتند تصمیمی خلاف اراده‌ی ایشان بگیرند (اعراف/۱۲۳).

امام راحل(ره) معتقد بود که باید برای حفظ اسلام هشیار باشیم و برای این کار به سخنان اشخاص سالم و متعهد توجه کنیم تا گول آمریکا را که دامش را با تبلیغات دروغ در تمام کشور پهن کرده است نخوریم (همان، ج ۱۵: ۲۰-۱۹ و ۴۴۱).

از نگاه امام(ره) شیطان بزرگ از آنجا که از پیشرفت اسلام می‌هراسد با بهانه‌های مختلف از جمله تهمت‌های تروریستی و تروریست‌پروری (همان، ج ۱۹: ۳۳۵) و حقوق بشر (همان، ج ۱۹: ۱۱۸) به دنبال تضعیف جمهوری اسلامی هست، ولی هر چه بیشتر تلاش می‌کند ما بیشتر تقویت می‌شویم. «وَمَكْرُوا وَا مَكَّرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران/۵۴).

تحریف‌گری

قرآن کریم درباره‌ی تحریف‌گری‌های برخی از علمای اهل کتاب می‌فرماید: «بعضی از آنها زبان خود را به هنگام تلاوت کتاب خدا چنان می‌پیچند و منحرف می‌کنند که گمان کنی آنچه را می‌خوانند از کتاب خدا است در حالی که از کتاب الهی نیست» (آل عمران/۷۸). ای کاش به همین اکتفا می‌کردند که مردم فقط

گمان کنند که کلام خداست بلکه صریحاً می‌گفتند: «این از سوی خدا نازل شده در حالی که از سوی خدا نبود» (آل عمران/۷۸).

یکی دیگر از ترفندهای دشمن برای تغییر در دستگاه محاسباتی مسئولان، زیبا جلوه دادن عمل و راه باطل و ایجاد شبهه با ارائه‌ی تفسیری غلط از سخنان حق است. از آیات قرآن از جمله آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی مائده به دست می‌آید که تحریف در سخنان و آموزه‌های وحیانی قرآن و اسلام از جمله راهکارهای نفوذی‌ها برای رسیدن به مقاصد خودشان است. البته دشمن بر آن است تا تحریف معنایی بنماید، یعنی مفهوم آن را جابه‌جا کند و مفهومی دیگر از سخن و آموزه‌ها به شنونده و مخاطب خود برساند؛ از این رو در آیه‌ی «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» (مائده/۴۱) به ساز و کار نفوذی‌ها تأکید شده است (فیروزیان، ۱۳۹۷: ۴۳؛ بابایی، ۱۳۹۶: ۱۷۸). قرآن کریم از افرادی با دل‌های منحرف یاد می‌کند که با سوء استفاده از آیات متشابه قرآن کریم، برای ایجاد فتنه در جامعه، از آنها تفسیری انحرافی ارائه می‌دهند (آل عمران/۷).

تدریجی بودن تحریف و انحراف

امام(ره) به مسئولان نظام نسبت به انحراف تدریجی در ارکان حکومت اخطار می‌دهد که: مسئولان و متصدیان جمهوری اسلامی هوشیار باشند چون قدرت‌های استکباری زخم خورده‌اند لذا با نفوذ عمال سر سپرده‌ی داخلی در ارگان‌های دولتی و مقامات مؤثر، به تدریج قدم به قدم کار خود را انجام دهند و انسان سالم را منحرف کنند و متعهدان را وابسته نمایند و در این موضوع همه‌ی مقامات، خصوصاً مقامات بالا چون رؤسای قوای سه‌گانه، بیشتر مورد نظر و هدف هستند، زیرا انحراف آنان - خدای نخواسته - ممکن است انحراف رژیم را در پی داشته باشد (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۹: ۳۷۱-۳۷۰).

و نیز می‌فرماید: این ابرقدرت‌ها ممکن است که بیست سال، سی سال، یک کسی را در یک مقامی با یک وجهه‌ای حفظش کنند و نوکر آنها باشد لکن مأمور باشد، مثل بختیار که خودش را به دکتر مصدق بسته است و می‌گفت مَلّی هستم. بعد از اینکه این مدت‌ها گذشت، آن روزی که باید از او استفاده کنند، بعد از بیست سال استفاده می‌کنند (همان، ج ۱۱: ۳۸).

تحریف در تفسیر موضوع

امام(ره) این حربه را به خوبی می‌شناسد می‌فرماید استکبار خصوصاً آمریکا وقتی موضوعی را به نفع خود ببیند با تمام قدرت از آن دفاع می‌کند و آن را پیش می‌برد ولی همین که متوجه شود دارد ضرر می‌کند و یا به‌گونه‌ای به نفع نظام اسلامی ایران بخواهد باشد موضوع را نادرست جلوه می‌دهد و خواهان پایان آن می‌شود مثل جنگ هشت ساله علیه ایران که خود اقرار دارند تا یک زمانی به نفعشان بوده است ولی وقتی دیدند که به نفع ایران می‌شود و یا مردم مسلمان در حال بیداری هستند از همه می‌خواهند که به صلح برگردانند (همان، ج ۱۶: ۱۶۸-۱۶۷).

درست همان کاری که فرعون با ساحران کرده است: تا زمانی که به نفع فرعون کار می‌کردند از مقربان بودند اما همین که به حقیقت آیین موسی(ع) واقف شدند و به او ایمان آوردند متهم به این شدند که دست‌آموز موسی(ع) بوده‌اند (شعراء/۴۹-۴۱).

تحریف در توجیه وسیله

برخی انسان‌ها برای اینکه بتوانند به اهداف غلطشان برسند وسایل باطل را توجیه تحریف‌گونه می‌نمایند. امام راحل(ره) خطاب به جوانانی که با تحریف‌گری برخی، در دام منافقین افتادند می‌گوید: شما جوان‌های دختر و پسر چه دیدید از این سران فاسد خودتان جز ادعا و جز انحراف؟ مگر همین‌ها نبودند که ادعا می‌کردند ما با خلق موافقیم، با دیگران مخالف و با اجانب مخالف، مگر اینها ادعا نمی‌کردند و باز هم نمی‌کنند لفظاً که ما با آمریکا مخالفیم و با غرب مخالف. شما دیدید که عملاً بر خلاف این عمل کردند و به دامن آمریکا پناه بردند و آمریکا از آنها پشتیبانی می‌کند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۵: ۱۳۱-۱۳۰)

تحریف در انحراف از اصل

رهبر فقید نسبت به انحراف افکار عمومی از نقطه‌ی اصلی آسیب‌پذیری هشدار می‌دهد که اصل توطئه‌ی آمریکا در داخل است ولی اذهان عمومی ملت را با اموری چون حصر اقتصادی و مداخله‌ی نظامی متوجه خارج می‌نماید زیرا می‌خواهد مردم از توطئه‌های داخلی که آن‌ها هم به دست خودشان است غافل کند لذا ملت هوشیار باشد هم مراقب توطئه‌های خارج باشد و هم داخل، زیرا آنها ذوفنون هستند؛ با شلوغی‌ها و اختلافاتی در داخل سلب اعتماد ملی می‌کنند و از خارج هم تهدیدهایی برای ملت شریف دارند (همان، ج ۱۱: ۵۰۶).

تحریف با استحاله‌ی فرهنگی

امام(ره) معتقد است این‌ها به دنبال استحاله‌ی فرهنگی و معنوی انقلاب اسلامی هستند و تأکید دارد که حریف‌های ما که کار کشته و کار کرده و مطالعه کرده هستند، می‌دانند که این انقلاب و این نظام را نمی‌توانند به سادگی مهار کنند لذا برای جلوگیری از به ثمر رسیدن این انقلاب به دنبال فاسد کردن آن از داخل هستند تا در خودش ایجاد نفاق و اختلاف کنند و مدفونش کنند و پس از اینکه خود انقلاب مدفون شد، یک نفری که خودشان تعیین می‌کنند، یک کودتایی، یک بساطی درست کنند و همان‌طور که خود می‌خواهند نظامی دست‌نشانده شود (همان، ج ۱۱: ۴۳۵-۴۳۴؛ ج ۱۳: ۴۰۰).

بهانه‌ی دموکراسی از زبان استکبار نیز در راستای استحاله‌ی فرهنگی است: یک وقت ما بفهمیم که از بین رفت یک مملکتی و با حرف‌های نامربوط دموکراسی و امثال ذلک ما را اغفال کنند که مملکت دموکراسی است و هر کسی حق دارد در اینجا بماند، هر کس حق دارد توطئه بکند. این حرف‌های نامربوط را باید کنار گذاشت و ملت ما همان‌طوری که تا حالا پیش آمده، از اینجا به بعد هم باید پیش برود و قطع کند دست این‌ها را (همان، ج ۱۰: ۴۹۳).

نتیجه‌گیری

نفوذ، روشی است که برای دستیابی به اهداف مشخص با ورود آشکار و پنهان به تغییر باورهای ذهنی و هنجارهای اخلاقی و در نهایت الگوهای رفتاری اقدام می‌شود. جریان نفوذ در قرآن کریم محدود به یک گروه و یا یک فرد نیست بلکه محدوده‌ی وسیعی دارد و از اهمیت بالایی نیز برخوردار است. اولین شکل نفوذ مربوط به آدم و حوا است که شیطان با روش وسوسه، با هدف تولید شک و سقوط جایگاه آدم در نزد خدای متعال بوده است. تحقیق حاضر به تحلیل و بررسی سخنان امام خمینی(ره) درباره‌ی سیاست‌های نفوذ در انقلاب و تطبیق آن با آیات الهی در قرآن کریم انجام گرفته است.

حضرت امام(ره) معتقد بوده است که هر کس به مقدار توانش و حیطة‌ی نفوذش لازم است با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر غرب یا شرق و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نماید؛ باید با هوشیاری مراقب بود و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخاست تا مهلت نیابند که نظام اسلامی را تخریب کنند زیرا حفظ نظام واجب است. امام(ره) به موارد زیادی از شیوه‌های نفوذ اشاره داشتند که در این مقاله به مواردی چون: شبهه‌افکنی، عوام‌فریبی و انحراف اذهان عمومی، اعمال سیاست خوف و رجا، ایجاد اختلاف، القای ناامیدی و نفی خودباوری، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی و تحریف‌گری پرداخته شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که کلام امام به تمامه منطبق با فرامین و نواهی خدای سبحان در قرآن کریم است؛ امام(ره) آنجا که از شبهه‌افکنی دشمن برای نفوذ در انقلاب اسلامی سخن گفت اشاره داشت به کلام خداوند که قلب‌های مریض با دستاویز قراردادن متشابهات، محکمت‌ها را از مسیر خود خارج می‌کنند؛ و آنجا که سخنش در مورد شبهه‌افکنی است منظورش ایجاد بدگمانی میان مسئولان با یکدیگر و بدگمانی میان مردم با نظام اسلامی است که قرآن کریم در آیه‌ی ۷۱ آل عمران می‌فرماید که چرا شما باطل را با حق مخلوط می‌کنید، لذا باید حقیقت را بیان کرد که این وظیفه‌ی ما است. امام خمینی(ره) آگاه بود که استکبار به‌وسیله‌ی دولت‌های دست‌نشانده، نویسندگان خبیث، گویندگان فاسد و روحانیون درباری، مردم را از حقایق دور می‌کنند و اهداف شوم خود را جلو می‌برد. استکبار با ایجاد شبهه در بین مردم و مسئولین، آنها را به درگیری بین خودشان مشغول می‌کند و اهداف انقلاب را به نفع خود تغییر می‌دهد.

در جایی که سخنش در مورد عوام‌فریبی و انحراف اذهان عمومی بود به فرمایشات قرآن درباره‌ی سیاست‌های فرعون اشاره داشت؛ یعنی همان‌طور که فرعون بعد از شکست ساحران و تبعیت آنان از حضرت موسی(ع)، به تحلیلی عوام‌فریبانه دست زد و گفت: این یک توطئه‌ی از پیش ساخته است و شما شاگرد موسی بوده‌اید و این خیمه شب‌بازی را برای سقوط من به راه انداخته‌اید!! استکبار نیز یک روز به بهانه‌ی حقوق بشر، بار دیگر به بهانه‌ی دموکراسی و... افکار عمومی جهان را به بازی می‌گیرد ولی هدف از این بازی‌ها صرفاً جهت تحت فشار قرار دادن دولت‌های مستقل و تحمیل خواسته‌های خود هست. استکبار چه حمایت می‌کند و یا محکوم می‌نماید همه و همه نمونه‌هایی از ترفندهای عوام‌فریبانه است.

امام راحل(ره) وقتی به اعمال سیاست خوف و رجا اشاره داشتند با نگاه به فرمایش قرآن است که شیطان شما را (به هنگام انفاق)، وعده‌ی فقر و تهیدستی می‌دهد، [خوف ایجاد می‌کند] و به فحشا (و زشتی‌ها) امر

می‌کند. چون یکی از مهمترین شیوه‌های دشمن برای نفوذ و اختلال در دستگاه محاسباتی مسؤلان، خواص و عامه‌ی مردم، تهدید و ایجاد ترس در آنهاست تا آنها را از تصمیم عاقلانه بازدارد. استکبار همواره این گونه القاء می‌کند که اگر با من رابطه نداشته باشید و آقایی من را در جهان نپذیرید، جامعه‌ی شما دچار مشکلات متعددی خواهد شد. این حربه‌ی استکبار در برخی از کشورها و حتی بعضی از مسؤلان کشور کارساز بوده است؛ ولی حضرت امام(ره) با قدرت معنوی بالا و با به همراه داشتن اعتماد ملی به این سخن خود که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، جامعه‌ی عمل پوشانید.

امام(ره) از ایجاد اختلاف توسط دشمن هشدار دادند که با اعتصام به حبل متین الهی در قرآن کریم منطبق است. امام خمینی(ره) تأکید دارد که آمریکا می‌خواهد کشوری را که با وحدت کلمه مقاصدش را پیش بُرد بین راه با ایجاد اختلاف عمومی فلج کند و مردم را به جان هم بریزد و در داخل نگذارد نظام اسلامی استقرار پیدا کند، لذا استکبار تلاش می‌کند با اختلاف بین خواص مانند اختلاف بین علمای بلاد بین مردم دو دستگی ایجاد شود و حتی تلاش دارد با نفوذ خود کشورهای اسلامی را به جان هم بیاندازد. همچنین به اموری چون القای ناامیدی و نفی خودباوری تأکید کردند که قرآن کریم در آیه‌ی ۲۱۸ بقره کسی را انسان مؤمن و صالح می‌داند که برای استقلال خود و جامعه‌ی خویش هجرت و تلاش را رها نمی‌کند و هرگز از رحمت خدای خویش مأیوس نمی‌گردد. امام(ره) معتقد بود که استکبار از مطبوعات برای القای یأس و ناامیدی کمال استفاده را می‌کند؛ لذا تأکید داشتند که ما باید هم توان خود را بشناسیم و هم باور کنیم که می‌توانیم، چون وقتی باور پیدا شود اراده به میدان می‌آید و این برخلاف خواسته‌ی استکبار است که با نفوذ این ناامیدی را القا می‌نماید که ما متخصص نیستیم و تحصیلاتمان ناقص است.

حضرت امام(ره) شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی را روش پرکاربرد دیگر دشمن برای نفوذ در عوام و خواص می‌داند و معتقد است دشمن حمله‌ی نظامی نمی‌کند، زیرا می‌داند از حمله‌ی نظامی کاری ساخته نیست چون استکبار می‌خواست از داخل به ما ضربه بزند ولی نتوانست لذا دست از تبلیغات سوء برداشت تا بدینوسیله، اتحاد ملت را از بین ببرد. تمام تهمت‌های استکبار با مواردی چون نقض حقوق بشر، تروریستی و تروریست‌پروری که علیه ما شایعه می‌سازند برای تضعیف جمهوری اسلامی است.

امام(ره) در آن قسمت که از تحریف‌گری استکبار سخن می‌گویند اشاره به آیه‌ی ۷۸ آل عمران داشتند که «بعضی از آنها زبان خود را به هنگام تلاوت کتاب خدا چنان می‌پیچند و منحرف می‌کنند که گمان کنید آنچه را می‌خوانند از کتاب خدا است...». امام(ره) به مسؤلان نظام نسبت به انحراف تدریجی در ارکان حکومت اخطار می‌دهد و معتقد است تحریف‌گری می‌تواند تحریف در تفسیر موضوع، تحریف در توجیه وسیله، تحریف در انحراف از اصل و تحریف با استحاله‌ی فرهنگی باشد. امام(ره) این حربه‌ها را به خوبی می‌شناسد و نسبت به هرکدام از این تحریف‌ها نمونه‌ای زیادی ذکر می‌کند ولی نسبت به تحریف با استحاله‌ی فرهنگی هشدار می‌دهد و معتقد است استکبار به دنبال استحاله‌ی فرهنگی و معنوی انقلاب اسلامی است و به دنبال این است که انقلاب را از باطن فاسد نماید.

در مجموع می‌توان گفت حضرت امام(ره) راه‌های نفوذ به انقلاب اسلامی را به خوبی پیش‌بینی کرده است و حتی با گذر زمان و ایجاد روش‌های جدید نفوذ، بوی کهنگی به خود نگرفته است.

References

- *The Holy Quran*, Translator: Makarem Shirazi, Naser (1995), Qom: Dar al-Qur'an al-Karim, Eighth print.
- Afshardi, Mohammad Hossain & Akbari, Hossein, (2014), "The Influence of Shiite Geopolitical Factors on the Development of the Influence of the Islamic Revolution", in *Faslname Elmi-Pajoheshie Afaghe Amniat*, Sixth Year, Fall, No. 20: 45-70.
- Ale Rasul, Susan & Eftekhari, Narges, (2012), "Devil's ways of Influences from the Perspective of the Qur'an and Nahj al Balaghah", *The Journal of Quranic Development of Kawthar (Majale-Roshde-Qurani kawthar)*, No. 39: 67-79.
- Ali ibn Al-Hussain (AS), (1998), *Assahifa al-Sajjadiah, Qom: Al-Hadi Publishing Office*, First Print.
- Amid, Hassan, (2012), *Amid Dictionary*, Tehran: Amir Kabir Publication.
- Azhari, Mohammed bin Ahmad, (No Date), *Tahzib al-Loughah, Beirut: Dar Al-Ihya Attorath Al-Arabi*, First Print.
- Babaei, Mohammad Bagher, (2018), "The Strategy of confronting with Influence process from the Qur'anic Viewpoint", *Journal of Defense Policy (Majale siyasate Defa'ee)*, Spring, Volume 25, Number 98: 163-189.
- Dashti, Mohammad, (2002), *Translation of Nahj al Balaghah. Qum: Mashhour Publications*, Fourteenth print.
- Dehkhoda, Ali Akbar, (2009), *The Dictionary of Dehkhoda, Tehran: University of Tehran*, Second Print.
- Dibaji, Mohammad Ali, (2004), "The Devil's Hands in Human Acts", *The Journal of Development of Teaching of Qur'an and Islamic Teachings (in Majaleye Roshde Amoozeshe Quran and Ma`arefe Eslami)*, No. 52: 21-29.
- Feyz kashani, Mohsen, (1994), *Tafsir al-Safi, Research: Hossain Alami*, Tehran: Al-Sadr Publications, Second Print.
- Feyz, Davood & Sharafi, Vahid & Aghaei, Hadi & Mohammad yari, Zohreh, (2015), "Identifying Individuals' Subjects to Enemy Influence Using the Q-Method", *Journal of Defense Policy (Majale Siasate Defa`ee)*, Volume 23, Winter, Number 1: 73-100.
- Firouzian, Shobair, (2018). "A Quranic Reflection on the Properties and Methods of Enemy Influence in the Computing System of the People and Officials of the Islamic System", *Journal of Ma'rifat (Majale Ma`refat)*, Mehr, Volume 4, Number 238: 35-45.
- Fouladi, Mohammad & Banakar, Roya, (2011), "Social and Cultural Influences and Techniques, with Emphasis on Theory of Use and Satisfaction and the Role of Social Networks in Influence", *Journal of Cultural and Social Knowledge (Majale Marifate Farhanghi va Ejtema`ee)*, No. 30: 55-80.

- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokram, (1993), *Lisan al-Arab, Beirut: Dare- Sader*, Third Print.
- Khatami Sabzevari, Seyyed Javad & Baqi'ee, Zohreh, (2018), “Investigating the Problem of Cultural Influence in the Speech of Supreme Leader relying on Qur'anic Verses”, *Journal of Culture in Islamic University*, Winter, Volume 7, Number 4: 551-572.
- Makarem Shirazi, Naser, (1996), *Tafsire Nemoone (A Sample exegesis)*, Tehran: Dar al-Kotob Al -Islami, First Print.
- Mo`tamedi, Hussain, (2000), “The Ways of Influencing into Revolutions”, *Journal of the culture of Kowthar*, No. 47: 52-57.
- Moein, Mohammad, (2012), *Persian Dictionary of Moein*, Tehran, Amir Kabir Publication.
- Moorhead, Gregory & Griffin, Rigi, (2006), *Organizational Behavior, Translated by: Seyyed Mahdi Alvani and Gholamreza Memarzadeh*, Tehran: Morvarid Publication, Eleventh Print.
- Motahari, Morteza, (1994), *The Collection of Shahid Motahari's Works*, Tehran: Sadra publication, Eighth Print.
- Mousavi Khomeini, Ruhollah, (No Date). *Sahifa Imam, Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works*.
- Nemati, Nouredin, (2012), “The Expansion of German Influence in Iran”, 1313-20, *Journal of Historical Science Research, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran*, Spring and Summer, Volume 4, Number 1: 191-208.
- Qara'ati, Mohsen (2004), *Tafsire Noor*, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an, Eleventh Print.
- Qutb, Sayyid Ibn Ibrahim, (1991), *Fi Zilal Al-Qura`n, Beirut: Dar al-Shoroq*, Seventeenth Print.
- Raghیب Esfahani, Hussain Ibn Muhammad, (1991), *Al-Mofradat fi Qarib al-Qur'an*, Research: Safwan Adnan Davoodi, Beirut: Dar al-Elm, First Print.
- Razi, Fakhr Al-Din Muhammad Bin Omar (1999), *The Keys of Secrets (Mafatih al-Ghayb)*, Beirut: Dar Al-Ihya Attorath Al-Arabi, Third Print.
- Rezaeyan, Ali (2007), *Managing Political Behaviors in Organizations*, Tehran: Samt Publication, Second Print.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hassan (1994), *Majma Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran*, Research: with an Introduction by Mohammad Javad Balaghi, Tehran: Naser Khosro Publication, Third print.
- Tabataba`ei, Mohammad Hussain (1996), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur`an*, Qom: Islamic Publication Office, Fifth print.
- Talei Hoor, Rahbar & Bahrami, Rostam (2018), “The Strategy of US Influence and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran (with Emphasis on the Supreme Leader's Viewpoints)”, *Journal of Islamic Revolution Studies (Faslname Elmi Pajoheshi Motale`ate Eslami)*, Fourteenth Year, Spring, No. 48: 71-90.
- Zamakhshari, Mahmoud, (1986), *Al Kashaf An Ghavamez Al-Tanzil*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, Third print.